



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

<http://dx.doi.org/10.22067/PG.2022.74143.1120>

مقاله پژوهشی

امنیتی شدن آب‌های داخلی و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران

مرجان بدیعی ازندهی (استادیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

mbadiee@ut.ac.ir

زهره پیشگاهی فرد (استاد جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

zfard@ut.ac.ir

وحید نجفی نخجوانلو (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، پردیس بین‌المللی کیش دانشگاه تهران، تهران، ایران)

vahidnajafinakhjevanlou@gmail.com

صص ۱۵۸-۱۳۵

چکیده

امروزه مفهوم نوین امنیت ملی در مقایسه با مفهوم کلاسیک آن، مؤلفه‌های متعدد داخلی و خارجی سخت و نرم را در برمی‌گیرد. هر یک از مؤلفه‌های جغرافیای ملی، از عوامل اصلی سازنده و پایدار امنیت ملی هر کشور محسوب می‌شوند؛ که می‌توانند ثبات و آرامش و برعکس بی‌ثباتی و چالش امنیتی برای یک کشور فراهم سازند. امنیت آب به‌عنوان عملکردی از وابستگی متقابل حوزه‌های مختلف امنیتی درون جغرافیای ملی یک کشور است که در داخل شبکه‌های از نیروهای اجتماعی - اقتصادی و سیاسی در مقیاس‌های مختلف فضایی پخش شده است. این شبکه شامل منابع امنیتی طبیعی (آب، انرژی، آب‌وهوا، غذا) و امنیت گروه‌های اجتماعی (فرد، جامعه و ملت) است. هدف این مقاله نه‌تنها چگونگی امنیتی شدن آب‌های داخلی ایران است؛ بلکه تأثیرات آن بر امنیت ملی ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش از نظر ماهیت توصیفی - تحلیلی و از نظر روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد درهم تنیدگی پدیده‌های خارجی مانند افزایش دمای زمین طی دو دهه اخیر و تغییر الگوی بارش، و پدیده‌های داخلی از قبیل ضعف مدیریت منابع آب، کاهش میزان بارندگی، افت سطح آب‌های زیرزمینی و حفر بی‌رویه چاه‌های غیرمجاز طی چهار دهه اخیر، نه‌تنها به بحرانی شدن وضعیت منابع آب کشور انجامیده است بلکه اعتراضات اجتماعی در استان‌های محدوده زاگرس، حوضه آبریز مرکزی و جنوب غربی با محوریت آب را دربرداشته است؛ به‌گونه‌ای که چالش آبی در کشور به شکل‌گیری چالش امنیتی منجر شده و امنیت ملی ایران را متأثر ساخته است.

واژگان کلیدی: جغرافیای ایران، امنیت ملی، امنیت آب، آب‌های داخلی، چالش‌های هیدروپلیتیک.

مقدمه

امنیت تضمین‌کننده حیات و بقای انسان و موجود زنده است؛ به‌طوری که همواره یکی از کار ویژه‌های پایدار حکومت‌ها حفظ قلمرو ملی و تأمین امنیت مردم خود بوده است. امروزه نیز تلاش برای رسیدن به یک جامعه امن اولویت نخست سیاست کشورها و سیاست‌گذاری‌های امنیتی آن‌ها در قالب امنیت ملی است. یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر امنیت ملی هر کشور، ویژگی‌های جغرافیایی و فرصت‌ها و چالش‌های ناشی از آن‌ها است. این مقاله به‌طور خاص به مطالعه و واکاوی یکی از مهم‌ترین چالش‌های حیات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یعنی مقوله امنیت آب و امنیتی شدن آب‌های داخلی و مرزی و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران پرداخته است. مسئله آب در حال حاضر به وقوع کشمکش‌های داخلی در ایران کمک کرده است؛ و ریشه‌های آن را می‌توان در رشد سریع جمعیت شهری، رشد کمی و فیزیکی صنایع، صنعتی شدن، کشاورزی سستی پرمصرف آب در ایران جستجو کرد؛ به‌طوری که نه تنها چالش هیدروپلیتیکی و زیست‌محیطی ایجاد کرده بلکه امنیت ملی ایران را نیز متأثر ساخته است. به‌عنوان نمونه، کاهش آب شیرین و قابل‌دسترس مردم باعث افزایش حساسیت آن‌ها به این مسئله شده است؛ تا آنجا که طرح‌های انتقال آب میان حوض‌های در استان‌هایی مانند اصفهان، کرمان، قم، یزد، چهارمحال و بختیاری، و خوزستان و نیز مازندران سبب اعتراضات و واکنش‌های شدید مردم و مسئولین این استان‌ها شده است. از این رو، تداوم و رشد این نگرانی‌ها و واکنش‌ها در سطح محلی و ملی از توان لازم برای بروز مشکلات امنیتی مانند واگرایی سرزمینی برخوردار است. بنابراین در این مرحله لازم است برای جلوگیری از بحران اجتماعی امنیتی ناشی از آب در سطح محلی و ملی، سیاست‌های لازم اتخاذ شود.

این پژوهش به دنبال بررسی دلایل امنیتی شدن آب‌های داخلی ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی کشور است تا بتواند توجه جدی تصمیم‌سازان کلان ملی را نسبت به این چالش بزرگ امنیتی برانگیزد. شایان‌ذکر است استفاده از ابزار قدرت و نگاه بخشی به حل چنین چالش امنیتی، نمی‌تواند امنیت‌زا باشد. از این رو، یک نگاه علمی کلان ملی به این مسائل نیازمند است، نه نگاه ناحیه‌گرایی برآمده از رانت قدرت سیاسی و رفتارهای ناعادلانه و مبتنی بر سیاست زور برای توزیع منابع کمیابی همچون آب در کشور که نتیجه‌های جز ناامنی، نارضایتی اجتماعی، واگرایی و ناحیه‌گرایی و ایجاد چالش امنیتی بین استان‌ها، شهرها و نواحی روستایی را به دنبال ندارد.

مفاهیم و ادبیات نظری پژوهش

امنیت ملی و ابعاد آن

امنیت در لغت فارسی به معنی ایمن شدن، در امان بودن، بی‌خوفی، بی‌بیمی، ایمنی و جای امن آمده است (Dehkhoda, 1994: 3377). تعریف لغوی امنیت عبارت‌اند، از حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت‌های شخصی)، می‌باشد (Buzan, 2004: 133). وی ابعاد امنیت را در پنج بعد نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست‌محیطی گسترش می‌دهد. مکتب کپنهاگ را می‌توان واکنشی نسبت به

دیدگاه رئالیست‌ها و لیبرالیست‌ها نسبت به مفهوم امنیت دانست. در واقع چارچوب تنگ و محدود دامنه امنیت در دیدگاه آنان در مکتب کپنهاگ اصلاح شده است (Buzan, 2004: 134). امروز امنیت چیزی بیش از داشتن نیروی نظامی و توانایی در دفع حمله نظامی و پیروزی در جنگ است؛ و در جهان امروز مفهوم امنیت ملی پویا، تلاش‌ها، چالش‌ها، هدف‌ها و تدبیرهای دیگری را نیز در برمی‌گیرد. برخی کارشناسان امنیتی بر این باورند، اگر مفهوم امنیت ملی به معنای زیر بکار رود مطلوب‌تر و کامل‌تر است: ۱- حفظ تمامیت ارضی، حفظ جان مردم، سعی در دوام و استواری نظام (اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) و حاکمیت کشور؛ ۲- حفظ منافع حیاتی کشور؛ ۳- فقدان تهدید خارجی نسبت به منافع ملی و حیاتی کشور (Ameri, 2008:332). چراکه مفهوم امنیت ملی برای هر دولت - ملتی از قداست والایی برخوردار است تا جایی که می‌توان تمامی اهداف و سیاست‌های ملی را برای دستیابی به آن بسیج کرد (Vali Pour Zaromi, 2004: 19). و لفرز امنیت ملی را: «نبود تهدیدها نسبت به ارزش‌های مکتب و نبود ترس از آنکه این ارزش‌ها مورد تهدید قرار گیرد، می‌داند» (Wolfers, 1962:150). دیوید بالدوین، به جای عبارت «نبود تهدیدها» در تعریف و لفرز، احتمال آسیب زدن کم و نابودی ارزش‌های مکتب به کار می‌برد (Baldwin, 1997:13). امنیت ملی را می‌توان شرایط و فضایی که یک ملت طی آن قادر است اهداف و ارزش‌های حیاتی مورد نظر خود را در سطح ملی و بین‌المللی گسترش دهد و یا حداقل در برابر تهدیدات بالقوه و بالفعل عوامل داخلی و خارجی آن‌ها را حفظ نماید، تعریف کرد (Zareie, 2012: 133). کوتاه سخن آن که مراد از امنیت ملی، ایمن و در امان بودن نسبی تمامی نیازها و ارزش‌های حیاتی مردم در برابر تهدیدها و نیز ادامه روند رو به تزاید قدرت دولت در بستر زمان برای پاسخگویی به انتظارات فزاینده تمامی افرادی است که ملت را تشکیل می‌دهد (Tahami, 2005: 78). به زبان جغرافیایی، امنیت ملی به مفهوم وجود شرایطی است که در آن از وجود هر نوع خطر و تهدیدی نسبت به تمامیت ارضی و استقلال کشور، وحدت ملی، اقتدار و اعتبار ملی، ثروت ملی، نهادهای حکومتی، ارزش‌ها، عقاید و مقدسات، حیثیت، مال و معیشت و در یک کلام همه مؤلفه‌هایی که در گستره چتر منافع ملی یک کشور قرار دارند و در چارچوب قوانین کشور به‌طور نسبی در امان باشند، اطلاق می‌شود. حفظ موجودیت کشور، امنیت ملی و وحدت ملی و ازگان مختلفی هستند که متوجه یک معنی و پدیده می‌باشند و آن چیزی جز بقای کشور نیست. (Ameri, 2008:330)

ویژگی‌های امنیت ملی

ویژگی‌های امنیت ملی را می‌توان در مؤلفه‌های زیر جستجو نمود: رابطه التزامی امنیت، تهدید، ذهنی یا تصویری بودن امنیت، نسبییت و سیالیت امنیت، تعامل و تداخل سطوح امنیت، سرزمین پایگی، شناسه محوری امنیت از موضوعات بررسی شده در حوزه امنیت ملی می‌باشد. مهم‌ترین اهداف امنیت ملی عبارتند از: ۱- حفظ استقلال و تمامیت ارضی، ۲- تحقق رفاه مردم و ثبات سیاسی کشور، ۳- حفظ و اشاعه ارزش‌های ملی و اعتقادی، ۴- فراهم کردن امکان فراغت خاطر نسبت به تهدیدهای احتمالی (Buzan, 2004: 134). یکی از ابعاد مهم امنیت ملی، تأمین امنیت اقتصادی آن ملت

است که به‌عنوان چهره جدید و مهم امنیت در دنیای معاصر شناخته می‌شود. از سال ۱۹۴۵، ایده امنیت اقتصادی جایگاه والایی در دستورکار سیاسی یافته است. امنیت اقتصادی به معنای دارا بودن ثبات اقتصادی، تولید انبوه، صادرات متناسب، کافی بودن منابع مالی، تأمین رفاه اقتصادی و معیشت مردم است. امنیت اقتصادی به میزان دسترسی انسان به ضروریات این بعد از امنیت زمانی حاصل می‌گردد که منابع مادی و معنوی اقتصادی در برابر خطرات و تهدیدات حفظ‌شده؛ و تولید ناخالص ملی از حرکت رو به رشد و با ثباتی برخوردار باشد؛ عدالت اقتصادی در جامعه تحقق یابد، درآمد سرانه افراد پاسخگوی تأمین نیازهای آنان باشد و ارتقای کمی و کیفی و چشم‌انداز آینده زندگی را تضمین نماید. امنیت اقتصادی به معنی آن است که مردم برای نیازهای اساسی خود در ابعاد اشتغال، معیشت، مسکن، پوشاک، آموزش، بهداشت و درمان، درآمد اقتصادی مطلوبی داشته باشند. همچنین یکی از ابعاد مهم امنیت ملی، امنیت زیست‌محیطی است. با توجه به حساسیت بالای منابع زیست‌محیطی و مشکلات نشأت گرفته از آن، می‌توان آن‌ها را ذیل عنوان منابع حیاتی قلمداد کرد و حتی با اندکی تسامح می‌توان منابع زیست‌محیطی مانند آب را در ردیف منافع وجودی قرار داد (Motalebi, 2020: 23) و از امنیت زیست‌محیطی سخن گفت. در این رابطه امنیت زیست‌محیطی با تهدیداتی سر و کار دارد که نه تنها نتیجه فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی انسان‌ها است. پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برخاسته از فرسایش محیطی و کشمکش بر سر منابع طبیعی، محیط‌زیست را کانون مطالعات امنیتی سده بیست و یکم قرار داده است. امنیت اجتماعی هم به‌عنوان یکی از ابعاد امنیت ملی، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. امنیت اجتماعی در هر جامعه‌ای عبارت از شرایطی است که در آن آرامش خاطر و امنیت جامعه نسبت به سلامت جسم، جان، مال، معیشت، حیثیت، آموزش، مسکن و تمامی ارزش‌های مادی و معنوی همه افراد و گروه‌های اجتماعی، به‌طور نسبی در چارچوب قوانین کشور در برابر تهدیدها تأمین می‌شود. باری بوزان امنیت اجتماعی را: «قابلیت حفظ الگوهای سستی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت و عرف ملی که با شرایط قابل قبولی از تحول مربوط است» می‌داند. (Buzan, 2004: 34) در این راستا، امروزه یکی از وجوه مهم امنیت، امنیت انسانی است. امنیت انسانی یعنی: ۱- ایمنی از تهدیدهای مزمن و دیرینه‌ای چون گرسنگی بیماری و سرکوب؛ ۲- در امان بودن از برهم خوردن ناگهانی و زیان‌آور الگوهای روزمره زندگی در خانه، محلکار یا جوامع. تأمین امنیت انسانی به این معنا مستلزم اتخاذ یک رویکرد هفت بعدی است که به امنیت اقتصادی، غذایی، بهداشتی، زیست‌محیطی، شخصی، اجتماعی و سیاسی توجه می‌کند (Ker, 2009: 241-245). نظر به این که بیشتر رودخانه‌های داخلی ایران دارای آب شور می‌باشند و رودخانه‌های آب شیرین در قلمرو جغرافیایی ایران کمتر از یک سوم است به همین دلیل آب و رودخانه‌های آب شیرین داخلی و مرزی نقش بسیار مهم در امنیت ملی کشور دارد (Mehrabi, 2020: 2).

امنیت آب

آب را منشأ و بنیاد پیدایش و تداوم و کارایی واحدهای سیاسی - فضایی در قلمرو جغرافیای سیاسی جهان می‌دانند. امنیت آب نشان از موفقیت حکمرانان و کاردانی آن برای تأمین خواسته‌های زیستی و نیازهای اجتماعی و اقتصادی و

زیست‌محیطی توسط آنان است. به بیان ساده، امنیت آب به‌عنوان عملکردی از وابستگی متقابل حوزه‌های مختلف امنیتی است که در داخل شبکه‌ای از نیروهای اجتماعی - اقتصادی و سیاسی در مقیاس مختلف فضایی پخش شده است. این شبکه شامل منابع امنیتی طبیعی (آب، انرژی، آب‌وهوا، غذا) و امنیت گروه‌های اجتماعی (فرد، جامعه و ملت) است. از سوی دیگر، فرایندهای پیچیده سیاسی - اقتصادی و زیست‌محیطی نیز در موضوع امنیت آب مورد توجه قرار می‌گیرد که ناشی از مطالعاتی است که در زمینه اقتصاد سیاسی بین‌الملل و آسیب‌پذیری و ریسک‌پذیری زیست‌محیطی بر روی آب انجام شده است (Zeitoun, 2011:290). طبق نظر کارگروه آب سازمان ملل، امنیت آب عبارت است از: توانایی جمعیت برای حفظ دسترسی پایدار به توازن کمیت و کیفیت آب قابل قبول در دسترس به منظور تقویت معیشت، بهزیستی بشر و توسعه اجتماعی اقتصادی، اطمینان از مراقبت در برابر آلودگی‌هایی که از آب ناشی شده و بیماری‌هایی که در ارتباط با آب هستند و پاسداری از اکوسیستم‌ها در صلح و ثبات سیاسی (UN- Water, 2013:2). در تعریفی دیگر، امنیت آب عبارت است از دسترسی به آب به مقدار لازم و با کیفیت قابل قبول برای سلامتی، معیشت، اکوسیستم‌ها و تولید و ارتباط آن با سطحی از خطرات مرتبط با آب برای مردم، محیط‌زیست و اقتصاد (Gray & Sadoff, 2007: 545).

در این باره، امنیتی سازی آب دارای اهمیت است. زمانی که واژه امنیت به آب افزوده می‌شود، نگرانی‌هایی در باره شکل‌گیری جریان‌هایی با هدف امنیتی سازی از طرح‌های آبی بوجود می‌آید. امنیتی سازی به معنای خارج نمودن عمدی پدیده‌ها از حوزه سیاست عادی و وارد کردن آن‌ها به حوزه امنیتی است؛ تا بدین ترتیب بتوان مسئله‌ای را تهدیدآمیز معرفی کرد و به تبع آن و با توجه به شرایط اضطراری و فوری معرفی شده، قوانین عادی تعلیق شود و اختیارات فراقانونی برای مواجهه با پدیده مورد نظر اخذ شود. از اینرو، برای مواجهه و تبیین امنیت آبی ضروری است به «بعد سیاسی» این مسائل توجه ویژه شود. بعد سیاسی امنیت آبی تا پیش از این در تدوین سیاست‌گذاری‌های آب و محیط‌زیست مغفول مانده بود (Miyanabadi, et al., 2021:241).

شایان ذکر است، ناامنی آبی و آسیب‌پذیری و محدودیت منابع آب در حقیقت حاصل دو عامل اصلی وضعیت طبیعی: ۱. منابع آب و شرایط اقلیمی که عمدتاً خارج از کنترل و دخالت انسان هستند؛ ۲. توسعه اقتصادی و اجتماعی که با دخالت‌های انسان ارتباط دارند. وخامت شرایط اقلیمی و خشک سالی و... موجب کاهش منابع آب و محدودیت دسترسی انسان است و در سوی دیگر نیز افزایش تقاضا برای آب به منظور تحقق توسعه اقتصادی و اجتماعی که با یکدیگر کاملاً ناهماهنگ و ناهمخوان هستند. تنها عاملی که می‌تواند تا حدودی موجب برقراری توازن نسبی در این امر شود، مدیریت و حفاظت از منابع است (Mokhtari Hashi, 2019:62-63). چنانکه اشاره شد، آب به‌عنوان رکن اساسی حیات و امنیت آب به‌عنوان شاکله اصلی امنیت اکولوژیکی، پیوند تنگاتنگی با امنیت ملی، امنیت انسانی، امنیت غذایی، امنیت منابع آبی، امنیت اقلیمی دارد و به‌طور کلی عاملی مهم در توسعه پایدار و زیست‌بینه انسان است؛ بنابراین، امنیت آب گواه وضعیتی است که در قالب آن، قلمروداران، امکان تأمین آب پایدار براساس کمیت و کیفیت مناسب در حوزه مصارف مختلف متناسب با

توانمندی‌های محیطی و باقیمت مناسب را دارند. می‌توان گفت طی چند دهه اخیر ایجاد اشکالات اساسی در ساختارهای طبیعی نظیر تغییرات اقلیمی، رشد سریع جمعیت، گسترش زندگی شهرنشینی و مصرف بی‌رویه آب در این قلمروها، رشد صنعت آب بر و... امنیت آب را به یکی از کشمکش‌های مهم زندگی و یکی از کشمکش‌های مهم حکومت ملی و محلی تبدیل ساخته است. به همین جهت است که گفته می‌شود، هرگاه پدیده‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، زیست‌محیطی و نظامی؛ ثبات، امنیت و پایداری جامعه، نظام سیاسی، همبستگی ملی و پیوستگی سرزمینی کشوری را به مخاطره بیافکند، به گونه‌ای که نتوان در قالب قوانین و قواعد موجود آن را مهار و هدایت کرد، پدیده یادشده وارد حوزه امنیتی می‌شود (Nosrati, et al., 2019:23). تعاریف ارائه شده از مفهوم امنیت آب چند وجه مشترک دارند: نخست آنکه، تمرکز این تعاریف بر دسترسی به آب پایدار و مطمئن برای نیازهای اساسی انسان است. دوم، مربوط به تأمین آب برای فعالیت‌های تولیدی است (تولید کشاورزی، مواد غذایی و کالاهای صنعتی). سوم، تمرکز بر حفظ محیط‌زیست یا حفاظت از محیط‌زیست است. چهارم، جلوگیری از پیشامدها و بلایای مربوط به (نبود و کمبود) آب است. از این رو، دسترسی پایدار واحدهای سیاسی به امنیت آب، نقش عمده‌ای در توسعه متوازن، اداره بهینه سرزمین، پایداری، حفظ یکپارچگی ملی و پیوستگی سرزمینی یا بر عکس وجود تنش و کشمکش در مقیاس ملی و فراملی دارد (Cook & Bakker, 2012:95). از این رو در عصر حاضر، مفهوم امنیت آب از مقیاس خانگی تا جهانی دارای اهمیت شده است. بسیاری از نوشته‌هایی که پیش از این با عنوان‌هایی مانند مدیریت یکپارچه و پایدار آب مورد توجه قرار گرفته اند، امروزه با امنیت آب مطرح شده اند (Hoekstra et al., 2018:1). در عین حال این واژه‌های در حال تغییر، در طول زمان نیز بیش و تغییر جهت را بازتاب می‌دهند. افزایش تقاضا برای آب و محدودیت منابع آبی، فشار بر دولت‌ها را برای تأمین آب پایدار افزایش داد که به دنبال خود پارادایم جدیدی با عنوان «امنیت آب» شکل گرفت. اما از یک دهه پیش به دلیل کمبود شدید منابع آبی بویژه در مناطق خشک و نیمه خشک جهان، اصطلاح مدیریت سازگاری با منابع آب به‌طور فزاینده‌ای به دلیل شرایط تغییرات اقلیمی و انطباق با آن مورد توجه قرار گرفته است. (Hoekstra et al., 2018:2)

امنیت آب و چالش‌های هیدروپلیتیکی

ظهور مفهوم امنیت آب به‌عنوان یک نگرانی عمده جهانی، به شدت با کمبود آب و خطرات مربوط به امنیت غذایی، امنیت انرژی، امنیت زیست‌محیطی و به‌طور کلی هر چیزی که مربوط به امنیت موجود زنده باشد، در سراسر جهان ارتباط دارد. ماهیت امنیت آب گویای دسترسی به آب کافی کیفیت و حجم مناسب، برای حفظ و پایداری اکوسیستم خشکی، تنوع زیستی و امنیت غذایی است. این ماده حیاتی پیوند فزاینده‌ای با امنیت غذا، انرژی، آب‌وهوا، رشد اقتصادی و امنیت انسانی یافته است و حتی ممکن است نقش مهمی در ایجاد درگیری و جنگ داشته باشد که پیامد آن امنیت انسان و محیط را تهدید کند (Lozet & Kim, 2013:8). نتیجه اینکه، مسئله آب زمانی وارد مطالعات امنیتی شده است که به‌عنوان عاملی مهم و اصلی بر روی کیفیت زندگی مردم، امنیت سیاسی کشورها و یا عامل تنش میان کشورها و به صورت مستقیم، بر

روی امنیت محیطی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورها تأثیر گذار شده است. آب در مقیاس ملی به‌عنوان در دسترس بودن مقدار قابل قبول و کیفیت آب برای سلامتی، معیشت، اکوسیستم‌ها و تولید، همراه با سطح قابل قبول خطرات مربوط به آب نسبت به مردم، محیط‌ها و اقتصادها تعریف شده است (United Nations, 2015:9).

بسیاری از مناطق جهان بویژه مناطق خشک و نیمه‌خشک، آب منبعی کمیاب به شمار می‌رود و پیش‌بینی‌های مختلفی وجود دارد درباره این که تنش‌ها بر سر دسترسی به آب به درگیری‌های هیدروپلیتیک ختم گردد. کارشناسان و سیاستمداران نیز از این مشکل درک یکسانی دارند، به عقیده آن‌ها آب منبعی است که با منازعه هیدروپلیتیک و درگیری ارتباط مستقیمی دارد و این موضوع دامنه وسیعی از احتمال تا قطعیت را در بر می‌گیرد (Halden, 2015:36). لازم به ذکر است دیدگاه محققان در مورد اثرات این منبع حیاتی بر شکل‌گیری مناسبات میان دولت‌ها متفاوت می‌باشد. برخی براین باورند کمبود منابع آب می‌تواند به ایجاد نزاع هیدروپلیتیک بیشتر کشورها ختم گردد. اما دسته‌ای دیگر بر نزاع و کشمکش و جنگ بر سر آب اعتقادی ندارند. افرادی مانند گلیک، کاپلان، هومردیکسون، شاه حسین پادشاه سابق اردن و پطروس غالی دبیر کل پیشین سازمان ملل و تعداد بسیاری از محققان براین عقیده اند که منابع واجد ظرفیتی برای تبدیل شدن به نزاع بوده و چالش آب و سرانجام به نزاع یا کشمکش هیدروپلیتیک ختم خواهد شد. گواه این مدعا نیز نزاع‌های فراوانی است که بر مبنای آب روی داده است. این گروه به آب از نظر رویکرد هیدروپلیتیک نگرینسته می‌شود، که مبین ارتباط آب با سیاست می‌باشد و عملکرد سیاست خارجی یک دولت را در تأمین منابع آب تبیین می‌نماید.

جدول ۱. تعاریف متخصصان از امنیت آب

ردیف	تعریف از امنیت آب	نام نویسنده	سال
۱	آب عبارت است از توانایی جمعیت برای حفظ دسترسی پایدار به توازن کمیت و کیفیت آب قابل قبول در دسترس به منظور ارتقاء زندگی، بهزیستی بشر و توسعه اقتصادی و اجتماعی مطمئن از مراقبت در برابر آلودگی‌هایی که از آب سرچشمه می‌گیرد و بیماری‌هایی که در تعامل با آب می‌باشند و حراست از بوم‌شناسی‌ها در صلح و صمیمیت و ثبات سیاسی	UN	2013
۲	امنیت آب از ابعاد خانگی تا کروی دارای اعتبار گردیده است. بسیاری از نوشته‌هایی که پیش از این با عبارتهایی نظیر مدیریت یکپارچه و پایدار آب مورد تأکید قرار گرفته اند، امروزه با امنیت آب مورد توجه قرار گرفته اند	Hoekstra et al	2018
۳	امنیت آب عبارت است از دستیابی به آب به مقدار کافی و با کیفیت قابل قبول برای سلامتی، معیشت، زیست بوم‌ها و تولید و ارتباط آن با سطحی از مخاطرات در ارتباط با آب برای مردم، محیط‌زیست و اقتصاد.	Gray & Sadoff	2010
۴	امنیت آب عبارت از دستیابی به آب مکفی کیفیت و حجم مطلوب، برای حفظ و پایداری بوم سازگان خشکی، گوناگونی زیستی و امنیت غذایی می‌باشد.	Lozet & Kim	2013
۵	هرگاه پدیده‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و زیست‌محیطی؛ پایداری، امنیت و ثبات جامعه، نظام سیاسی، همبستگی ملی و پیوستگی سرزمینی کشوری را به خطر اندازد، به شیوه‌ای که نتوان در قالب قوانین و مقررات موجود آن را مهار و جهت‌دهی نمود، آب وارد حوزه امنیتی می‌گردد	کاوایی راد	1397

ردیف	تعریف از امنیت آب	نام نویسنده	سال
۶	امنیتی سازی به معنای خارج کردن تعمدی مولفه‌ها از حوزه سیاست عادی و ورود آن‌ها به حوزه امنیتی است تا بدین سان بتوان مسئله‌ای را تهدیدآمیز نشان داد و در پی آن و با توجه به شرایط ضروری و فوری معرفی گردیده، قوانین عادی معلق شود و اختیارات فوق قانونی برای رویرو شدن با پدیده مورد نظر گرفته گردد.	میان آبادی	۱۴۰۰

(Authors,2021)

روش تحقیق

روش اصلی این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و بر پایه اطلاعات کتاب‌خانه‌ای و آرشیوی فارسی و لاتین و نیز داده‌های برگرفته از سایت‌های معتبر در زمینه منابع و مسائل آب ایران است. در مراحل اجرایی تحقیق با بهره‌گیری از روش قیاس استفاده شده است. نوشتار حاضر، از ابتدا تا نتیجه‌گیری مراحل چهارگانه زیر را سپری نموده است: ۱- شناسایی و گردآوری منابع کتابخانه‌ای شامل منابع جغرافیای سیاسی، جغرافیای امنیتی و جغرافیای اجتماعی ایران؛ ۲- مطالعه و کنکاش در منابع گردآوری شده و استخراج مطالب مورد نظر تحقیق؛ ۳- تدوین و جمع‌بندی اطلاعات جمع‌آوری شده؛ ۴- بررسی، تجزیه و تحلیل اطلاعات و گزارش نتیجه‌گیری.

یافته‌ها و بحث

چگونگی امنیتی شدن آب‌های داخلی ایران

کشور ایران در فاصله عرض جغرافیایی ۲۵ الی ۴۰ درجه شمالی قرار دارد. در این عرض جغرافیایی چه شمالی و چه جنوبی به دلایل متعدد آب‌وهوایی، بارش‌ها نسبت به سایر عرض‌ها بسیار اندک است و بیشتر کشورهای که در این عرض قرار دارند با مشکل کمبود آب مواجه هستند. متوسط بارش در کشور ایران کمتر از ۲۲۸ میلیمتر در سال است (متوسط بارندگی در جهان ۸۵۰ میلیمتر است) که آن را در ردیف کشورهای خشک جهان قرار داده است (FAO,2018). تبدیل ایران سستی به ایران نوین و حرکت به سوی صنعتی شدن از یک سو و نیز افزایش بی رویه جمعیت از سوی دیگر نیاز به این ماده حیاتی را به سرعت افزایش داد. همچنین عدم آگاهی و دوراندیشی مدیران کلان از کمبود منابع آبی و اقلیم خشک ایران بر سرعت کاهش ذخایر ارزشمند آبی ایران افزود (Motiei Langroudi,2011:34). بانک جهانی در سال ۲۰۰۷ در گزارش خود بحران آب در ایران را مورد تأیید و تصدیق قرار می‌دهد و ایران را از بعد شاخص مصرف بی رویه آب با هیچ کشوری در جهان اعم از توسعه یافته و در حال توسعه همسان نمی‌داند. بانک جهانی در این گزارش با تأکید بر این که کاهش سالیانه منابع آب شیرین داخلی در ایران ۶۳ برابر استانداردها و شاخص‌های جهانی است، اعلام کرد که کشاورزی عامل ۹۱ درصد کاهش سالیانه منابع آب شیرین در ایران است. همچنین طبق این گزارش کاهش سالیانه منابع آب شیرین داخلی ایران طی سال‌های ۱۹۸۷-۲۰۰۲ در جهان ۹ درصد بوده است، این رقم در ایران ۵۶۷ درصد معادل ۷۲/۹ میلیارد متر مکعب بوده است. این کاهش سالیانه منابع آب شیرین داخلی ایران طی مدت یاد شده ۸/۶ برابر انگلیس، ۳/۳ برابر آمریکا و ۲/۷ برابر ژاپن بوده است. کاهش منابع آب شیرین داخلی در کشور ۵/۵ برابر کشورهای ثروتمند، ۳/۵

برابر کشورهای فقیر و ۸۹ برابر کشورهای با درآمد متوسط بوده است (World bank, 2007). بحران آب و در ادامه امنیتی شدن آن در ایران دلایل مختلفی دارد که می‌توان آن را به دو بخش اقلیمی و انسانی (الگوی نامناسب مدیریت و مصرف) تقسیم کرد. در بخش اقلیمی مسئله مهم این است که ایران در بخش خشک و نیمه خشک جهان قرار دارد و نزولات جوی بسیار کمتر از متوسط جهانی (یک چهارم جهان) می‌باشد. البته این میزان با توجه به تغییرات آب‌وهوایی کاهش یافته و دوره‌های خشکسالی نیز دلیل مضاعفی بر شدت یافتن بحران شده است. در بخش انسانی نیز بهره‌وری بسیار پائین در مصارف کشاورزی (بیش از ۹۰ درصد آب کشور در بخش کشاورزی مصرف می‌شود)، استفاده بی‌رویه آب جهت مصارف خانگی، مکانیابی نامناسب صنایع آب‌بر، صادرات آب مجازی، برداشت نامناسب و بیش از حد از ذخایر زیر زمینی و اجرای پروژه‌های انتقال آب در داخل کشور، وضعیت نامناسبی را ایجاد کرده که منازعات استانی و قومی بر سر آب، از بین رفتن کشاورزی در برخی مناطق و خشک شدن رودخانه‌ها و دریاچه‌ها از پیامدهای آن هستند (Mohaghegh & Imami Far, 2015). نکته مهم اینکه، بخش عظیمی از اقتصاد ملی ایران وابسته به بخش کشاورزی است و کمبود آب و خشکسالی می‌تواند عامل چالش برانگیزی در امنیت ملی و اقتصادی ایران باشد. در واقع بخش کشاورزی بزرگترین بخش اقتصاد کشور پس از بخش خدمات است و به‌طور متوسط ۱۲ درصد از تولید ناخالص ملی را به خود اختصاص داده است (Layeghi & Ghasemi, 2012:84). همچنین ۲۵ درصد اشتغال، ۲۳ درصد صادرات کالاهای غیر نفتی، ۸۰ درصد خوراک کشور و ۹۰ درصد نیاز مواد اولیه صنایع را تکمیل میکند. به دلیل نبود سازه‌های درست جابه‌جایی آب، بهره‌دهی آبی کشور را تا ۳۰ درصد کاهش داده است (Razzaghi, 2005:135). براساس آخرین آماربرداری بیلان منابع و مصارف آب در کشور، کل میزان برداشت آب در کشور برابر با ۹۶.۳۷ میلیارد مترمکعب است که از این میزان ۸۵.۶ میلیارد مترمکعب (۸۸.۹ درصد) مربوط به بخش کشاورزی، ۳.۸ میلیارد مترمکعب (۳/۸ درصد) مربوط به مصارف شرب و ۲.۴۷ میلیارد مترمکعب (۸.۲ درصد) مربوط به مصارف صنعتی می‌باشد. در صورتی که در کشورهای توسعه یافته سهم بخش کشاورزی ۳۰ درصد، شرب و بهداشت ۱۱ درصد و سهم بخش صنعت و معدن ۵۹ درصد می‌باشد. به دلیل خشکسالی‌ها و تغییرات اقلیم میزان کل آب تجدیدپذیر کشور از متوسط بلندمدت ۱۳۰ میلیارد مترمکعب به ۸۹ میلیارد مترمکعب (متوسط ۱۰ سال اخیر) رسیده است. در زمینه چالش امنیتی شدن آب ایران، باید منابع آب‌های زیر زمینی کشور نیز به این چالش افزوده شود. در حال حاضر حدود ۱۲۰ میلیارد متر مکعب کسری مخزن در منابع آب زیرزمینی وجود دارد که این مقدار حدود یک چهارم کل ذخایر استاتیک منابع آب‌های زیرزمینی است. عواقب کسری مخزن آب‌های زیرزمینی، درحوزه زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قابل مشاهده است (Islamic Parliament Research Center of Iran, 2018). براساس آمار وزارت نیرو در سال ۱۳۹۸، در کشور حدود ۷۶۳ هزار حلقه چاه وجود دارد که حدود ۳۸۳ هزار حلقه آن مجاز و حدود ۳۸۰ هزار حلقه آن نیز غیرمجاز است. این امر بدان معناست که بیش از ۴۹ درصد کل چاه‌های موجود در کشور غیرمجازند. براساس اعلام وزارت نیرو، سالانه حدود یک متر و ۳۰ سانتیمتر افت

آب زیرزمینی اتفاق می‌افتد و با فرونشست زمین معادل سالانه ۱۶ سانتی‌متر روبه‌رو هستیم. پدیده فرونشست موجب از بین رفتن تخلخل در لایه‌های آبرفتی زمین و از دست دادن توان نگهداری آب در دشت‌ها می‌شود. در واقع، با فرونشست دشت‌ها، قدرت نگهداشت آب در لایه‌های زمین کاهش می‌یابد و آبخوان‌ها پر نمی‌شوند (Ministry of Energy, 2020). تا پایان سال ۱۳۹۸، از مجموع ۶۰۹ محدوده مطالعاتی کشور، تعداد ۴۰۹ محدوده ممنوعه می‌باشند که به نسبت تعداد ۲۴۳ محدوده در سال ۱۳۹۵ افزایش چشمگیری داشته است. محدوده‌های ممنوعه شامل دشت‌ها و مناطقی در سطح کشور هستند که به لحاظ توسعه بهره‌برداری از مخازن آب زیرزمینی ممنوع شده‌اند. بخش عمده‌ای از این دشت‌ها در نواحی مرکزی و شرق ایران قرار دارند. در بازه زمانی سال ۸۵ تا ۹۵، به‌طور متوسط در هر سال بیش از ۱۱ دشت، ممنوعه یا ممنوعه بحرانی اعلام شده است. در حالیکه تنها در سه سال بین سال‌های ۹۵ تا ۹۸ تعداد ۱۶۶ محدوده ممنوعه به مناطق کشور اضافه شده است (Islamic Parliament Research Center of Iran, 2019). از سوی دیگر، بسیاری از کارشناسان منابع آب ایران مصرف آب در بخش کشاورزی و میزان راندمان آن را، یکی از عوامل مهم چالش منابع آب ایران و تهدیدکننده امنیت ملی کشور می‌دانند. کلاتری وزیر سابق کشاورزی ایران گفته است: کشاورزی در حال حاضر بیش از ۹۰ درصد آب کشور را مصرف می‌کند در حالی که در حدود شش درصد از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص می‌دهد. امور سیاسی سبب شده است مسئولان به‌دنبال خودکفایی در نیازهای اساسی کشاورزی باشند، امری که با پتانسیل کشور ایران همخوانی ندارد. وی ادامه داده است: در کشوری که حدود ۲۲۸ تا ۲۴۰ میلیمتر بارش داریم به میزان کمتر از یک سوم جهانی و بیش از دو برابر جهان تبخیر داریم، یعنی آب در اینجا ۶ برابر کمتر از کل جهان در دسترس است. اکنون از جنوب البرز و شرق زاگرس تا مرزهای جنوب شرقی کشور در معرض تهدید کمی آب است. نباید کاری کنیم که نسل بعد کشورمان را از بعد آب، نسل سوخته تلقی کنیم. ایران با بهره‌برداری از ۹۷ درصد آب‌های سطحی خود عملاً تمام رودخانه‌های خود را خشک کرده است و دیگر آبی در طبیعت باقی نمانده است. این موضوع به معنای آن است که اگر به همین وضع ادامه دهیم حدود ۷۰ درصد ایرانیان یعنی جمعیتی معادل ۵۰ میلیون نفر برای زنده ماندن ناچار به مهاجرت از کشور هستند. به عقیده وی: با این منابع آبی موجود و در صورت استفاده از مدرن‌ترین تکنولوژی‌های صنعتی و در صورت فرض محال رسیدن به بهره‌وری ۵,۱ درصد تا سال ۱۴۰۴ تن‌ها می‌توانیم برای ۳۳ میلیون نفر غذا تولید کنیم. این در شرایطی است که بهره‌وری ما در حال حاضر تن‌ها ۲,۰ درصد است. تن‌ها دو کشور در جهان وجود دارد که با بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آب‌های سطحی در معرض بحران جدی قرارگرفته‌اند و آن دو کشور ایران و مصر هستند (Entekhab.ir, 2015). در حال حاضر میانگین سرانه کل مصرف آب شرب در ایران (شامل تجاری - صنعتی - خانگی - فضای سبز و...) در حدود ۲۲۰ لیتر در شبانه روز است که در مقایسه با اکثر کشورهای جهان رقم بالاتری را نشان می‌دهد. همچنین مصرف سرانه آب در بخش خانگی (آب شرب لوله کشی خانگی) در ایران به‌طور متوسط در طول سال ۱۵۷ لیتر در روز به ازای هر نفر برآورد می‌شود که شامل پنج لیتر آشامیدن، ۱۰ لیتر پخت‌وپز، ۵۰ لیتر حمام و شست‌وشو، ۲۰ لیتر لباس‌شویی، ۱۵

لیتر ظرف شویی، ۳۰ لیتر مصارف بهداشتی، ۱۰ لیتر نظافت خانه و ۱۷ لیتر مصارف متفرقه می‌شود (Ministry of Energy, 2019). در نتیجه کمبود و تنش‌های آب شرب یاد شده، نارضایتی‌هایی در برخی از شهرهای کشور رخ داد و این موضوع چالش‌هایی را برای مسئولان ایجاد کرد. این امر حاکی از آن است که تنش‌های ناشی از کمبود آب شرب به سرعت به صورت نارضایتی‌های اجتماعی نمود پیدا کند و به چالشی امنیتی تبدیل شود (Islamic Parliament Research Center of Iran, 2019). به نظر می‌رسد آنچه امنیت ملی ایران را در حال و آینده از منظر بحران آب و امنیتی شدن آن تهدید می‌کند و در حال تبدیل به چالشی بزرگ است، می‌توان از دو بعد بررسی و تحلیل شود: بعد نخست، خروج آب‌های داخلی کشور به کشورهای همسایه و عدم دریافت حقا به خود که در آینده ایران ناچار است به دلیل مصرف رو به تزاید آب در کشور بخش عمده‌ای از منابع آب خروجی خود را برداشت و مورد استفاده قرار دهد که این خود زمینه ساز یک چالش امنیتی با همسایگان را فراهم خواهد ساخت. بعد دوم، می‌توان از دو منظر به آن توجه نمود. نخست مدیریت پر مشکل و تمرکزگرایی آب در ایران است که ناشی از سیاستگذاری غلط آب توسط نهادهای دولتی بویژه با رویکرد سازه‌ای وزارت نیرو و گروه‌های مهندسی در کشور باز می‌گردد که طی بیش از چهاردهه نتایج آن امروز در کشور و شهرهای ایران نشان می‌دهد. همچنین مصرف بی رویه و افراط گونه آب در بخش کشاورزی و شرب شهری است که این نیز با توجه به میزان مصرف آب و برداشت محصولات کشاورزی در کشور که فقط یک سوم نیازهای مردم را تأمین و دو سوم آن وارد می‌شود، ایران را روز به روز با بحران بزرگ آب نزدیکتر می‌کند و چاره‌ای نیز تا به امروز برای آن اندیشیده نشده و امنیت ملی ایران با خطری بزرگ و لاینحل روبرو شده است. در ادامه به چالش توزیع بین حوزه‌ای آب در کشور می‌پردازیم که این نیز در آینده به معضلی حاد تبدیل خواهد شد و ناامنی درون کشور را تشدید خواهد کرد.

چالش‌های امنیتی شدن آب‌های محلی در ایران

دراستای بحث امنیت آبی و امنیتی شدن آب در ایران، شاهد تفاوت‌های چشمگیری در بین استان‌های کشور هستیم.

(جدول شماره ۱)

جدول ۲. چالش‌های آبی استان‌های ایران

نام استان	میزان آب دریافتی	انتقال آب رودها	ایجاد تونل‌ها و سد	میزان آب کشاورزی	تعداد تنش‌های آبی 1398-1378
استان اصفهان	عدم دریافت مقادیر آب و خشک شدن زاینده رود، یکپارگی کشاورزان، تبدیل زمین‌های حاصل خیز به بیابان	انتقال بخشی از آب زاینده رود به کاشان و یزد در اثر کمبود آب	ایجاد سد پروری زاینده رود برای مصارف خانگی و صنعتی، تونل بهشت آباد سبب کاهش آب کارون می‌شود	قطع سهمیه آب کشاورزان و انتقال حق آبه کشاورزی به یزد، قم، کاشان و کارخانه ذوب فولاد	11 تنش
استان خوزستان	نیاز حداقل سالانه به 40 میلیارد متر مکعب برای کشاورزی اما دریافت 30 میلیارد مترمکعب	باعث مشکل تولید برق در سدها، خشکسالی هر دو یا سه سال یکبار، مشکل در تامین آب شرب،	احداث تونل بهشت آباد از سرشاخه کارون، باعث کاهش دبی کارون بزرگ شده است	کشاورزان استان خوزستان تبدیل کمبود آب رودخانه‌های استان از کشت محصولات محروم شده‌اند	23 تنش
استان چهارمحال بختیاری	کاهش ۱۷٪ نزولات آسمانی و کاهش شدید آب حوضه زاینده رود و کارون و نیز خشک شدن بیش از ۲۸۰ رشته قنات و کاهش شدید آبدهی چاه‌ها و چشمه‌ها.	انتقال آب برای حل مشکلات آبی اصفهان، یزد، کرمان، قم و باغات بسته رفسنجان	احداث تونل گلاب و انحراف زاینده رود در محدوده این استان باعث اعتراضات مردم استان در اثر خشک شدن باغات، تونل بهشت آباد خشک شدن چشمه‌ها و قنات‌ها و چاه‌های کشاورزی این منطقه، زهکشی کردن منابع آب زیرزمینی، تخلیه اکثر سفره‌های آب زیرزمینی	متنوع شدن برداشت آب برای کشاورزان در حاشیه زاینده رود به دلیل مدیریت آب استان توسط شرکت آب منطقه‌ای اصفهان	7 تنش
استان کهگیلویه و بویراحمد	استفاده یک میلیارد و 400 میلیون متر مکعب سالانه از منابع آب در بخش‌های مختلف، وجود دو هزار و 400 حلقه چاه عمیق و نیمه عمیق و تولید 286 میلیون مترمکعب آب، ساخت 12 سد مهار 460 میلیون متر مکعب آب سطحی			به دلیل مشکلات کمبود آب، تنها 70 هزار هکتار از 210 هزار هکتار کشت دیم، به کشت آبی تبدیل شده، برداشت‌های آب از چاه‌ها و سفره‌های زیرزمینی باعث کاهش محسوس منابع آبی در دشت‌ها و اراضی کشاورزی شده	10 تنش
استان فارس	خشک شدن تالاب‌ها و رسیدن عمق چاه‌ها به بیش از 600 متر	تسریع کردن آب خلیج فارس انتقال آب از خلیج فارس به این استان برای شرب و صنعت		کمبود منابع آب انجام کنت سستی و غرقابی	6 تنش
استان بوشهر	فاقد هرگونه منبع آب برای استفاده و تامین آب این استان از چشمه ساسان کارون و سد کوثر استان کهگیلویه و بویراحمد، کاهش 35٪ منابع آب در اثر نبود بارندگی،		با احداث سد کوثر و اجرای خط انتقال آن به عنوان طولانی‌ترین خط آبرسان کشور، مشکل دیرینه کمبود آب استان را تا حدودی حل کرده است.	کاهش بارندگی و تداوم خشکسالی و لزوم استفاده از سیستم آبیاری تحت فشار	4 تنش

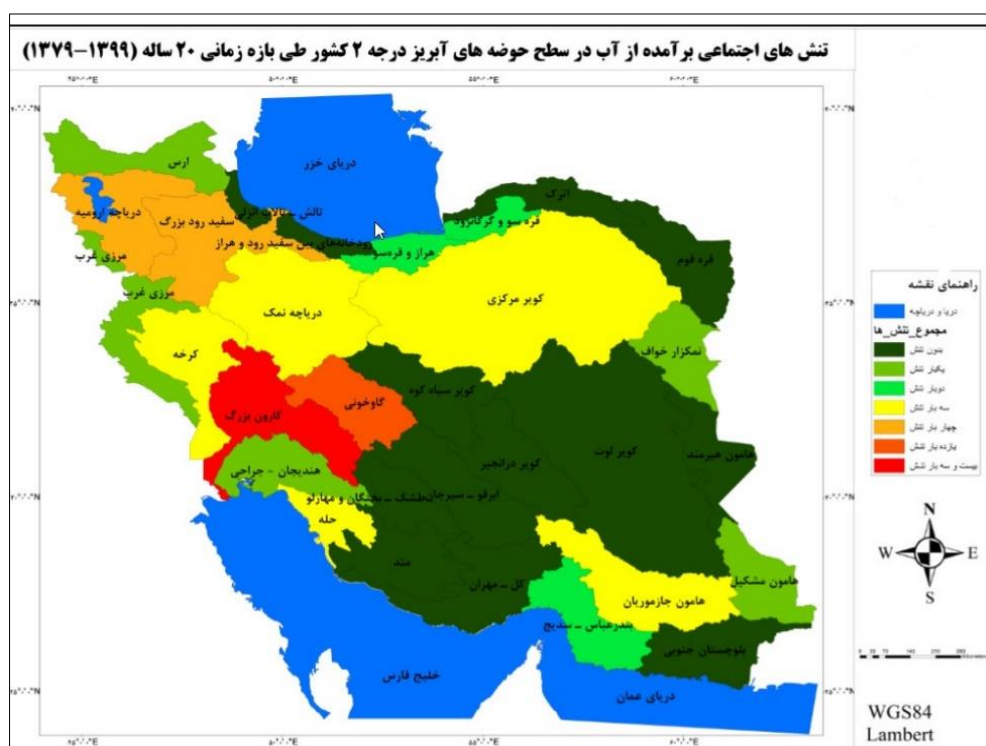
(Authors,2021)

منابع اصفهان، چهارمحال بختیاری و خوزستان

انتقال آب از یک منطقه مستعد کشاورزی به منطق‌های دیگر؛ صرفاً با استدلال وجود خاک مناسب در مقصد انتقال آب، نوعی چشم‌پوشی از جمع عوامل زمینه‌ساز استعداد طبیعی برای کشاورزی در منطقه مبدأ مانند خوزستان و غرب استان اصفهان و استان‌های لرستان و چهارمحال و بختیاری است. این امر سبب تحمیل هزینه‌های زیاد انتقال آب بر دولت و مردم و اتلاف منابع آب، بحران اکولوژیکی و تخریب محیط‌زیست و کشاورزی در مناطق مبدأ و در نتیجه بروز آسیب‌ها و بحران‌های امنیتی و امنیتی شدن آب و مناقشات درون‌سرزمینی بین نواحی جغرافیایی داخل کشور می‌شود. به‌ویژه که این سیاست‌گذاری غیرآمایشی انتقال آب بین حوضه‌ای بر مرزهای قومی و جغرافیایی فرهنگی منطبق است، به نحوی که

حوضه‌های بالادستی و مبدأ در استان‌های خوزستان و لرستان و چهارمحال و بختیاری و غرب اصفهان دارای ترکیب قومی غالب لر، خوزی و عرب هستند و غالب ترکیب قومی حوضه‌های آبریز پایین دست فارس زبان است. گذشته از مرزهای قومی، مرزهای بومی و خرده‌فرهنگی و دارای هویت‌های محلی مانند اصفهانی، کرمانی و غیره نیز وجود دارد که بحران آب و در ادامه امنیتی شدن آب می‌تواند سبب شکاف‌هایی در این مرزهای هویتی گردد. با وجود مسائل و بحران‌های اخیر در رابطه با انتقال آب بین حوض‌های، در تقسیم‌بندی آمایشی جدید کشور به ۹ منطقه در برنامه ششم توسعه و سند ملی آمایش سرزمین، استان چهارمحال و بختیاری به همراه استان‌های اصفهان و یزد در یک منطقه قرار گرفته است که علاوه بر غیر آمایشی و غیر جغرافیایی بودن این تقسیم‌بندی) به دلیل در بر گرفتن اقلیم‌های مختلف و به شدت متفاوت و غیرمتجانس (تداعی‌کننده سیاست انتقال آب از استان چهارمحال به استان‌های اصفهان و یزد است. از این رو سیاست انتقال آب به‌عنوان یک سیاست غیر آمایشی منسوخ در جهان که هم‌چنان در کشور ایران در حال پیگیری است می‌تواند سبب بروز مناقشات هیدروپلیتیکی و آسیب‌های سیاسی و امنیتی برای کشور شود (Rashidi, 2014: 220).

منازعه آبی موجود بین بختیاری‌ها و اصفهانی‌ها، یکی از موارد سنتی اختلافات آبی در کشور است که سابقه تاریخی دارد. این موضوع بتدریج در حال تبدیل به چالشی امنیتی است؛ زیرا کشاورزان در استان‌های مختلف (چهارمحال و بختیاری، خوزستان و اصفهان)، صنایع بزرگ مصرف‌کننده آب در استان‌های اصفهان و یزد و نیز مسئولان تامین آب شرب استان‌های واقع در مرکز کشور، طرف‌های این منازعه بوده و با رویکرد قومیتی - استانی (و نه ملی) به موضوع نگاه می‌کنند. تونل‌ها و سدهای متعددی که در مسیر رودخانه‌ها و سرچشمه رودها برای انتقال آب احداث گردیده، یکی از موضوعات مورد اختلاف می‌باشد. مقامات استان‌های مرکزی مدعی‌اند این انتقال آب جهت مصرف شرب و خانگی انتقال داده می‌شود ولی کشاورزان ذینفع مدعی‌اند که این ادعا فریبکاری بوده و آب جهت مصرف در صنایع بزرگ و حتی کشت برنج در استان اصفهان، انتقال داده می‌شود. واضح است که احداث صنایع نیازمند به آب فراوان در دل کویر، نشان از این دارد که تصمیم گیران، با نگاه قومیتی و محلی به مکان‌یابی احداث این صنایع پرداخته‌اند و منافع ملی و کشوری را فدای تمایلات شخصی خود کرده‌اند. در ادامه شیوه‌های انتقال و بازتوزیع آب که اعتراضات مردم سایر استان‌ها را به همراه داشته است مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم. (نقشه شماره ۱)



Source: (Mohammadi, 2021)

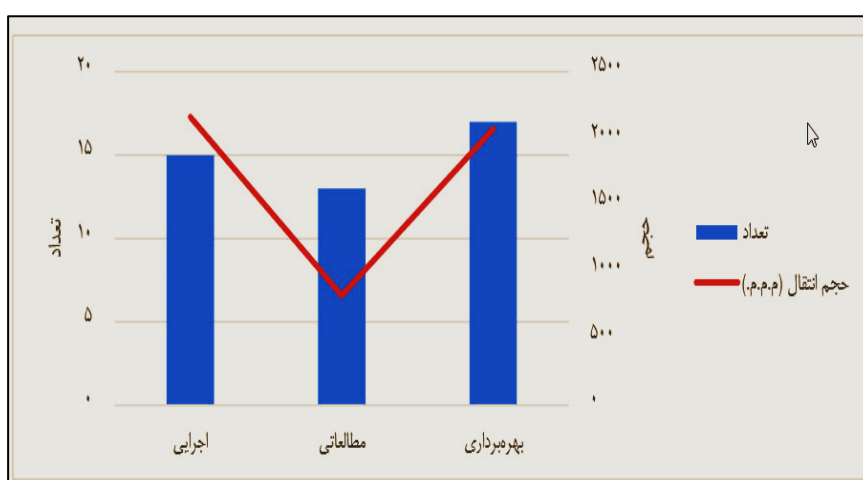
تونل گلاب و اعتراضات بختیاری‌ها

طرح تونل گلاب در لوای طرح انتقال آب شرب کاشان از سال ۱۳۸۴ توسط استان اصفهان مطرح شد و شامل دو فاز تونل ۱ و ۲ گلاب است. فاز ۱ به دلیل ظرفیت پایین، برای استان چهارمحال و بختیاری مشکلی ایجاد نمی‌کند. تونل گلاب ۲ به طول ۱۷ کیلومتر و ظرفیت ۲۳ مترمکعب بر ثانیه در ادامه تونل ۱ گلاب قرار دارد که آب منطبق‌های اصفهان با انعقاد قراردادهای اجرایی، عملیات حفر آن را آغاز کرده و تا پایان سال ۱۳۹۱ در حدود ۲ کیلومتر از این تونل را حفر نموده است. این طرح از محل اعتبارات استان اصفهان بدون اخذ مجوزهای زیست محیطی و قانونی انجام می‌شود و از این نظر دارای وجهت قانونی نیست. با توجه به ظرفیت بالای تونل گلاب ۲ و انحراف رودخانه زاینده‌رود در محدوده استان چهارمحال و بختیاری توسط این تونل، اعتراضات مردم منطقه سامان و ۲۲ روستای حاشیه رودخانه زاینده‌رود در این استان، از نیمه اول سال ۱۳۹۰ آغاز شده و نگرانی خود را از خطر انحراف آب رودخانه زاینده‌رود و احتمال خشک شدن باغات خود ابراز نمودند (Samadi Boroujeni, 2012).

طرح انتقال آب حوضه بهشت‌آباد به اصفهان، کرمان و یزد

به‌طور کلی و با توجه به داده‌های به دست آمده از وزارت نیرو به‌عنوان کارفرما و ناظر اصلی تمامی پروژه‌های انتقال آب، می‌توان گفت که حجم انتقال آب بین حوض‌های (مطالعاتی، اجرایی و بهره‌برداری) حدود پنج میلیارد مترمکعب در

سال است که از این میزان، حدود ۲۰۷۰ میلیون مترمکعب در دست بهره‌برداری، حدود ۲۱۶۰ میلیون متر مکعب در حال اجرا و حدود ۸۳۲ میلیون متر مکعب در دست مطالعه است. نکته بسیار مهم ضعف اطلاعات موجود نسبت به وضعیت طرح‌های انتقال آب بین حوضه‌ای است. برای مثال، با وجود اینکه ۴۲ مورد از ۴۵ مورد پروژه‌های انتقال آب بین حوضه‌ای دارای مجوز تخصیص از سوی وزارت نیرو هستند، اطلاعات موجود از وضعیت مصارف انتقال آب بین حوضه‌ای به صورت تلفیقی است و نمیتوان به تفکیک گفت که چقدر از این انتقال‌ها برای کشاورزی، شرب و صنعت طراحی و اجرا شده‌اند.



نمودار ۱. دسته بندی پروژه‌های انتقال آب بین حوضه‌ای در کشور از لحاظ وضعیت (Ministry of Energy, 2019).

علاوه بر موضوع اطلاعات اولیه در رابطه با طرح‌ها، یکی از نواقص جدی در پروژه‌های انتقال آب بین حوضه‌ای را می‌توان در مشخص نبودن توجیه انجام طرح‌ها دانست. می‌توان شاهد مواردی بود که اساساً انتقال آب از یک منطقه کم‌آب به‌عنوان مبدأ صورت می‌گیرد؛ مناطقی که خود در پایین دست حوضه با چالش‌های عمیق اقتصادی و اجتماعی ناشی از کمبود آب دست و پنجه نرم می‌کنند. این در حالی است که اساساً موضوع انتقال آب بین حوضه‌ای عموماً با هدف توزیع منابع آب از مناطق پرآب به مناطق کم‌آب مطرح می‌شود (Islamic Parliament Research Center of Iran, 2019).

طرح بهشت‌آباد عنوانی است که برای انتقال آب زیر حوضه کارون از چهارمحال و بختیاری و استان خوزستان به استان اصفهان و فلات مرکزی ایران به کار برده می‌شود. هدف این طرح تامین آب شرب و توسعه صنعت و کشاورزی در استان‌های اصفهان، یزد و کرمان می‌باشد. هدف از اجرای این طرح می‌تواند تا حدودی از خشک شدن زاینده‌رود جلوگیری به عمل آید. ساختگاه سد بهشت‌آباد در ۵ کیلومتری اردل و در ۹۰ کیلومتری جنوب غرب شهرکرد و پس از محل تلاقی رودخانه‌های کوه‌رنگ و بهشت‌آباد واقع شده است. میزان برآورد متوسط در ساختگاه سد برابر ۱۱۰۰ میلیون

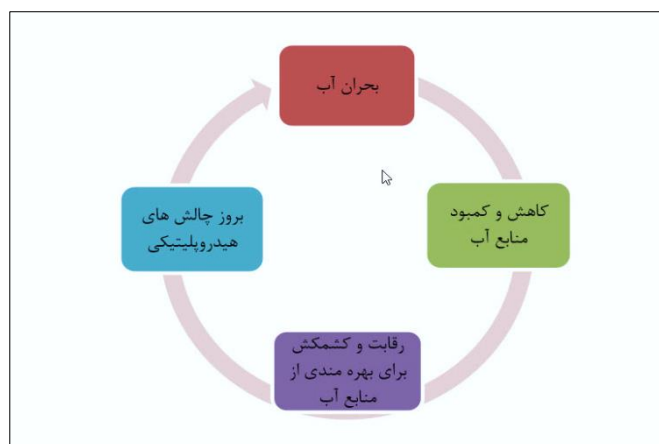
متر مکعب است. در طرح جدید آب انتقال یافته بین سه استان اصفهان، یزد و کرمان تقسیم شد که سهم هر یک به ترتیب ۴۰، ۳۰ و ۳۰ درصد در نظر گرفته شده است (Arab & Samani, 2008:25). آثار اجتماعی انتقال آب بهشت‌آباد می‌تواند تنش میان اقوام مختلف و استان‌های مرتبط را فراهم کند. به‌طوری‌که با توجه به تنوع قومی و فرهنگی و وجود حاکمیت‌های عشیره‌ای در حوضه آبریز کارون به‌ویژه در عرصه‌های پایین دست و جنوبی استان خوزستان، کم‌آبی و اختلالات اقتصادی و معیشتی ناشی از آن منجر به بروز اختلافات قبیله‌ای و قومی و کشیده شدن دامنه آن در سطح محلی و ملی می‌گردد. از تبعات اجتماعی انتقال آب بهشت‌آباد می‌توان موارد زیر را بیان کرد (Rahmani, 2015:144).

مهاجرت، از دست دادن زمین‌های کشاورزی در نتیجه بیکاری، افزایش فقر عمومی، افزایش درگیری در سال‌های خشکسالی، عدم اطمینان و آب کافی برای کشاورزی در نتیجه رها کردن زمین‌های کشاورزی و تغییر شغل، از دست دادن اعیان زمین‌ها، مشاغل و روابط همسایگی برای ساختن سد، نارضایتی‌های عمومی. همچنین شفاف‌سازی حق آب‌ها در مقیاس مکانی و زمانی و توجه به آن‌ها در تحلیل‌ها در اثر بخشی طرح‌های انتقال آب از بهشت‌آباد به زاینده‌رود موثر است. طی سال‌های اخیر انتقال آب بین حوض‌های بهشت‌آباد، مخالفت‌های شدیدی از سوی مردم چهارمحال و بختیاری و خوزستان و همچنین مخالفت‌های مسئولین و سیاست‌مداران دو استان را برانگیخته است به‌طوری‌که طرح را با حساسیت سیاسی بالایی روبه‌رو کرده است. برگزاری همایش‌ها در مجامع علمی، چهار تجمع اعتراضی با عنوان (زنجیره انسانی دفاع از کارون) در اهواز و سه، تجمع اعتراضی دیگر در شهرهای سامان، هوره و فرخ شهر استان چهارمحال و بختیاری اعتراضات نمایندگان چهارمحال و بختیاری در صحن مجلس، همه این موارد از کنشگری‌های سیاسی طرح بهشت‌آباد می‌باشد. از جمله مخالفت‌ها می‌توان به نامه سازمان حفاظت محیط‌زیست در سال ۱۳۸۶ گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس ۱۳۸۷، نظر دفتر فنی وزارت نیرو ۱۳۸۹، گزارش شرکت مهاباد قدس ۱۳۸۹، نامه سازمان بازرسی کل کشور ۱۳۹۰، اعتراض نمایندگان مجلس در سال ۹۳ و ۱۳۹۵، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۰ که نمایندگان استان‌های مذکور با در دست داشتن پلاکاردی که بر روی آن نوشته بود حفر تونل بهشت‌آباد و کلات ۲ - ظلم به کشور! مسئولان از خواب غفلت بیدار شوند؟ استان ما را ناامن نکنید نسبت به حفر این تونل و پیامدهای ناشی از آن در وضعیت آبرسانی به استان‌های خود اعتراض کردند. ارزیابی آثار زیست‌محیطی در حوضه‌های مبدأ - مقصد به ندرت انجام شده و از نظر اقتصادی سوال‌برانگیز است. اشکالات وارده به طرح بخشی ماهیتی مدیریتی دارد به‌طوری‌که پتانسیل بروز و تشدید تعارضات میان حوضه مبدأ و مقصد، تحلیل نشده است و تنها حل مسئله کمبود و بحران زاینده‌رود، مسئله پیش روی مدیران و برنامه‌ریزان بوده است و با ارائه راهکار انتقال بین حوض‌های آب برای رفع کم‌آبی، توجهی به نیازهای مبدأ نشده است. موضوع بی‌توجهی به نیازهای مبدأ عامل مهمی برای شکل‌گیری چالش‌های کنونی و ناامنی فراوانی بین استان‌های چهارمحال بختیاری، خوزستان، اصفهان و در آینده کرمان و یزد خواهد شد. به نظر می‌رسد یکی از چالش‌های طولانی تقریباً حل نشده ایران در تقسیم بندی‌های سیاسی ایران باشد که کمتر به همگنی‌های طبیعی و انسانی مناطق توجه شده است و عوامل سیاسی و

مداخلات دولت مردان در تعیین محدوده‌های تقسیمات کشوری نقش پررنگ‌تری یافته‌اند (Ahmadi Pour, et al., 2012:26).

عدم واگذاری اختیارات به سطوح پایین تقسیماتی موجب عدم شناخت صحیح و انتظارات متناسب با ظرفیت‌های طبیعی گردیده و بی‌عدالتی‌ها و عدم تعادل‌های فضایی را موجب شده است. به طوری که وجود دیدگاه ناحیه‌ای و جغرافیای سیاسی اقوام در فضای سرزمین ایران نیروهای بالقوه‌ای هستند که با هر عاملی می‌تواند بار سیاسی منفی به خود گرفته و منجر به شکل‌گیری تخاصم و کنشگری‌های سیاسی منفی شوند.

در بحث پیرامون مدیریت منابع آب ایران، انتقال آب از سرشاخه‌های کارون تحت عنوان تونل کوهرنگ ۱ و ۲، تونل ماربران، کوهرنگ ۳، و غیره باعث تقویت این حساسیت‌های سیاسی و ناحیه‌ای شده است. با توجه به تنوع قومی و فرهنگی و وجود حاکمیت‌های عشیره‌ای در حوضه آبریز کارون به‌ویژه در عرصه‌های پایین دست و جنوبی استان خوزستان، کم‌آبی و اختلالات اقتصادی و معیشتی ناشی از آن منجر به بروز اختلافات قبیله‌ای و قومی شده و موجب ظهور شکاف‌هایی در این مرزهای هویتی گردیده که در جغرافیای سیاسی با عنوان «محل‌ی گرایسی سیاسی منفی» و «ناحیه‌ی گرایسی سیاسی منفی» یاد می‌شود (Rahmani, 2015:145).



نمودار ۲. فرایند تبدیل بحران آب به چالش امنیتی شدن آن

(Authors, 2021)

این دیدگاه در بین مخالفین چهارمحال و بختیاری و خوزستانی‌ها وجود دارد که هم‌اکنون استان‌های خود از کم‌آبی رنج می‌برند و انتقال آب از کارون را نوعی خیانت به استان‌های خود می‌دانند. حال با مطرح شدن طرح انتقال آب بهشت‌آباد که از زیرحوضه‌های کارون است اوضاع تنش و مخالفت را تشدید می‌کند. در اثر تقویت چنین دیدگاه‌هایی، احساس تبعیض میان مردم و نخبگان سیاسی دو استان چهارمحال و بختیاری و خوزستان، در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولت شکل می‌گیرد و به تبع پیامدها و کنشگری‌های منفی را در پی خواهد داشت. همواره تداوم این

سیاست‌گذاری‌های غیراصولی و ضدآمایشی انتقال آب بین حوضه‌ای آب که بر جغرافیای فرهنگی خاص نواحی مبدأ و مقصد و به‌طور خاص بر مرزهای قومی فضای سیاسی اقوام ایران منطبق است، سبب گسست در میان اقوام ساکن در حوضه‌های گیرنده و دهنده آب می‌شود و چالش‌های امنیتی و قومی خاصی را در کشور باعث می‌شود که در دراز مدت می‌تواند بخشی از کشور را دچار بحران امنیتی و سوء استفاده‌های سیاسی سازد (Chenari, 2016:90). براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، به دلیل کاهش بارش‌ها در سال آبی ۱۳۹۷-۱۳۹۶، برخی از شهرهای کشور در تابستان ۱۳۹۷ با تنش آب شرب مواجه شدند و در مواردی این تنش‌ها به مناقشات اجتماعی - امنیتی نیز تبدیل شدند. در تابستان ۱۳۹۷ از کل جمعیت شهری ۶۱.۶ میلیون نفری کشور حدود ۳۴.۵ میلیون نفر آن (معادل ۵۶ درصد) تحت تنش آب شرب قرار گرفتند. از این میزان، جمعیت تحت تنش متمرکز در حوضه آبریز فلات مرکزی بسیار چشمگیر است. در این حوضه آبریز جمعیت شهری ۱۶.۷ میلیون نفری تحت تنش آب شرب قرار داشته است که شامل استان‌های متعددی از کشور می‌شود (Islamic Parliament Research Center of Iran, 2020).

چالش آب‌های حوضه جنوب غربی کشور (با تاکید بر رودهای کرخه و کارون)

به نظر می‌رسد یکی از چالش‌های اساسی منابع آب ایران که منجر به جبهه‌بندی‌ها و نظرات مختلفی شده و آسیب‌ها و ناامنی‌های مهمی را متوجه سیاست کلان کشور کرده است، سیاست سد سازی آن هم به صورت متناوب و مکرر بر روی رودخانه‌های کرخه و کارون بزرگ - مشتمل بر دز و کارون کوچک است. این سیاست موجب جبهه‌گیری بین طرفداران محیط‌زیست و توسعه پایدار با برخی سیاست‌مداران و کارگزاران و صنعت‌گران و مدیران کشوری شده است. مورد دوم که دارای بازتاب‌های فراتر و بسیار جدیتر از سیاست قبلی است، سیاست انتقال آب بین حوضه‌ای است که مسیر کلی این طرح‌ها از سرشاخه‌های آبریز کارون بزرگ - دز و کارون کوچک به‌عنوان مبدأ به سمت ایران مرکزی یعنی زاینده رود، کرمان، یزد و قم و... به‌عنوان مقصد انتقال بین حوضه‌ای آب است. این سیاست سبب جبهه‌گیری‌های بین طرفداران محیط‌زیست، مردم و مسئولان حوضه‌های آبریز مبدأ با مدیران و مسئولان حوضه‌های آبریز مقصد طرح‌های انتقال آب شده که می‌توان به صورت نمونه تهدید به استعفای جمعی از اعضای قوه مقننه و نیز تحصن نمایندگان استان‌های خوزستان و چهارمحال و بختیاری در صحن مجلس در اعتراض به سیاست‌های وزارت نیرو شد (Rahmani, 2015:109). سیاست‌های برخاسته از محلی‌گرایی، قوم‌گرایی و خرده فرهنگ‌گرایی در کنار گرایش‌های محلی‌گرایی برخی دولت‌های گذشته به مفهوم برنامه‌ریزی، به ویژه برنامه‌ریزی منابع آب، مانع از توجه به برنامه‌ریزی راهبردی امنیت‌محور و مبتنی بر آمایش علمی سرزمین شده است که منجر به تدوین برنامه‌های محلی محور، قوم محور و خرده فرهنگ محور شده بود. این امر به خوبی تاثیر ژئوپلیتیک محلی در مدیریت منابع آب و ایجاد چالش‌های امنیتی ناخواسته را به دنبال داشته است. حوضه‌های آبریز رودخانه‌های کرخه و کارون بزرگ در محدوده استان‌های مختلفی قرار گرفته است این حوضه‌های آبریز در محدوده استحضاطی و اداری استان‌های کرمانشاه، همدان، مرکزی، اصفهان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و

بویراحمد و فارس و خوزستان قرار دارد. استان‌های مذکور به ترتیب به لحاظ ترکیب قومی با یکدیگر متفاوت‌اند. استان کردستان دارای قومیت کرد، کرمانشاه ترکیبی از قومیت کرد و لر و لک است. استان ایلام نیز ترکیبی کرد و لر و لک است. استان همدان دارای قومی فارس، لر، ترک و کرد است. استان لرستان تک قومیتی و لر زبان است. استان مرکزی دارای ترکیب اکثریت فارس و سپس ترک و اقلیتی لر است. استان اصفهان دارای ترکیب فارس و لرهای بختیاری و قشقایی و گرجی و ارمنی است. استان چهارمحال و بختیاری دارای اکثریت لرهای بختیاری و اقلیت فارس و قشقایی است. استان کهگیلویه و بویراحمد ترکیب تک قومیتی لر دارد. استان فارس نیز دارای ترکیب قومیتی فارس، لر، قشقایی و عرب است. استان خوزستان دارای ترکیب قومیتی لر، خوزی و بندری، عرب و فارس است. خوزی‌ها و بندری‌ها از لحاظ زبانی قرابت بیشتری با لر بختیاری دارد؛ بنابراین در حوضه‌های آبریز مورد مطالعه ترکیب قومی متنوعی وجود دارد. از این رو تمامی قومیت‌های ساکن در این استان‌ها در حوضه آبریز مورد مطالعه قرار نمی‌گیرند. به‌عنوان مثال در استان فارس، مرکزی و اصفهان حوضه آبریز مورد مطالعه فقط بخش لرنشین این استان‌ها را در ارتفاع کوهستانی زاگرس پوشش داده است. در مجموع لرها به واسطه قرار گرفتن استان لرستان در حوضه آبریز مورد مطالعه و سپس پوشش حداکثری استان لرنشین چهارمحال و بختیاری و نیز استان لرنشین کهگیلویه و بویراحمد و همچنین استقرار حوضه آبریز مورد مطالعه در بخش‌های لرنشین استان‌های مرکزی، اصفهان، فارس و همدان و ادامه جمعیت لرها در بخش خوزستان حوضه آبریز مورد مطالعه قوم لر بیشترین وسعت را در حوضه آبریز کرخه و کارون بزرگ دارد. پس از آن کردها به واسطه استقرار در بالادست رودخانه کرخه در استان‌های کردستان، کرمانشاه، ایلام و غرب همدان و نیز اعراب در منطقه جنوبی استان خوزستان قومیت‌های بعدی هستند که در حوضه آبریز قرار دارند. جمعیت فارس نشین نیز بیشتر در نقاط شهری مانند اهواز، آبادان، خرمشهر و برخی نقاط مانند استان مرکزی و همدان در این حوضه آبریز مستقر هستند؛ اما به لحاظ میزان اثرگذاری آب این حوضه‌های آبریز بر زندگی و معیشت مردم قوم لر و اقوام نزدیک آن مانند خوزها و نیز اعراب بیشترین اثرپذیری را از سیاست‌های مدیریتی آب و امنیتی شدن آب در این حوضه آبریز دارند و طبیعتاً از ظرفیت بیشتری برای واکنش‌های احتمالی برخوردار می‌باشند (Nosrati, et al., 2019:33). به نظر می‌رسد اعتراضات نمایندگان استان خوزستان طی دو سال اخیر به دلیل تشدید مشکلات آب و امنیتی شدن آن در استان و افزایش اعتراض مردم نسبت به مشکلات آب رودخانه‌های استان که به شدت در فصل تابستان کاهش می‌یابد و مردم را با مشکل کم‌آبی و گاه بی‌آبی مواجه می‌سازد، شدیدتر و شفافتر شده است. تعدادی از نمایندگان استان خوزستان در جریان تقدیم لایحه بودجه ۹۶ کل کشور در مجلس، سخنان رئیس‌جمهور را در اعتراض به انتقال آب قطع کردند. براساس مطالعات و گزارشات مرکز پژوهشی‌های مجلس شورای اسلامی تهیه شده بود که کارشناسان این مرکز به این نتیجه رسیده‌اند که این کارها نه‌تنها مشکلی را حل نمی‌کند بلکه مشکلات زیادی را به وجود می‌آورد. در فرایند تصمیم انتقال بین حوضه ای آب، هر یک از سازمان‌ها و گروه‌های ذی‌نفع و درگیر، به دنبال منافع خاص خود می‌باشند که این موارد از منافع و قدرت سیاسی تا حق مالکیت و رفاه معیشتی

در تغییر است. مسئول تصمیم برای انجام چنین پروژه‌هایی نهایتاً دولت است و ریسک اقتصادی این پروژه‌ها معمولاً بر دوش بودجه عمومی است. به همین علت به‌طور سنتی مخالفت‌هایی در قبال اجرای چنین طرح‌هایی از سوی افراد تحت تاثیر وجود داشته است (Karamooz, et al., 2007:56).

سناریوی ادامه وضعیت موجود				
۵	۴	۳	۲	۱
کاهش منابع آب موجود	کاهش بارندگی و الگوی آن به دلیل تغییر اقلیم	افزایش دما به دلیل تغییر اقلیم	تداوم خشکسالی‌ها بر اساس پیش‌بینی‌ها	کمبود ذاتی منابع آب در کشور
تهدید امنیت آبی و غذایی کشور	استهلاک تأسیسات و کاهش بهره‌وری	آلودگی فزاینده منابع آب و کاهش کیفیت	افزایش نیاز بخش‌های مختلف	افزایش جمعیت
از بین رفتن منابع طبیعی کشور	نابودی بیشتر زیست‌بوم‌های آبی	کاهش بیشتر ذخایر آب زیرزمینی و تبعات آن	استفاده بیشتر از ذخایر استاتیک و نابودی آنها	کاهش بیشتر سهم محیط زیست
نحت‌الشعاع قرار گرفتن امنیت ملی	امنیتی شدن موضوع آب	افزایش مناقشات منطقه‌ای و بین‌المللی	افزایش مناقشات محلی و داخلی	افزایش مناقشات بین بخش‌های مختلف

نمودار ۳. کمبود منابع آب و چالش‌های امنیتی ناشی از آن

(Islamic Parliament Research Center of Iran, 2019).

همچنین از دیگر تجارب منفی در بروز تنش‌های آبی ناشی از انتقال آب و امنیتی شدن آن در ایران می‌توان موارد متعددی را متذکر شد؛ مثلاً در سال ۱۳۷۹ در شهر آبادان اعتراضاتی نسبت به انتقال آب‌های خوزستان صورت گرفت که منجر به کشته شدن چند نفر شده است. در اسفند ۱۳۹۰ نیز تمامی نمایندگان مجلس خوزستان در اعتراض به انتقال آب‌های استان تهدید به استعفا کردند. اعتراض کشاورزان شرق اصفهان نسبت به انتقال از زاینده رود به استان یزد در اسفند ماه ۹۱ نیز یکی از مسائل مرتبط با سیاسی شدن موضوع آب بود که منجر به شکسته شدن لوله انتقال آب به یزد شد (Mokhtari Hashi, 2013:49). مشکل بزرگ و رو به افزایش آب در ایران بخش بزرگی از استان‌های مرکزی و پر جمعیت کشور (مانند اصفهان، کرمان، خوزستان، یزد و...) را دچار ناامنی اقتصادی و اجتماعی و سبب افزایش آسیب‌های خانواده‌ها و افزایش نارضایتی و جنبش‌های اجتماعی و اعتراضات سیاسی و در یک کلام امنیتی شدن آب را به دنبال داشته است که برآیند آن وحدت ملی و انسجام اجتماعی ایران را به چالش کشیده و امنیت ملی کشور را به مخاطره انداخته است

و با توجه به شرایط بحران آب و امنیتی شدن آن در ایران نمی توان چشم انداز روشنی برای برون رفت از وضعیت موجود و کاهش ناامنی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی متصور بود.

پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که با فرض ادامه روند موجود، در سال ۱۴۰۰ جمعیت تحت تنش آب شرب به ۸۰ درصد جمعیت کل کشور برسد. واضح است که جهت‌گیری برنامه‌های بخش آب کشور از هم اکنون باید در جهت حل مشکل مذکور باشد. راهکارهای مقابله با تنش آب شرب به دو دسته راهکارهای کوتاه مدت و بلندمدت تقسیم می‌شوند. راهکارهای کوتاه مدت که عمدتاً بر مدیریت عرضه استوارند، عبارت‌اند از: افزایش تأمین و تولید آب، اجرای طرح‌های ارتقای کیفیت آب، افزایش توان ذخیره سازی آب، تقویت خرید تضمینی آب از سرمایه‌گذاران سامانه‌های نمک‌زدایی، پایداری خدمات در شرایط اضطرار و تنوع بخشی اعتباری. راهکارهای بلندمدت نیز که عمدتاً مبتنی بر مدیریت تقاضا و سیاست‌گذاری کلان بخش آب هستند، عبارت‌اند از: ارتقای بهره‌وری، کاهش آب به حساب نیامده، اقدامات کاهش مصرف، فرهنگ‌سازی و تصحیح الگوی مصرف، اصلاح تعرفه‌ها، اعمال مدیریت به‌هم‌پیوسته آب در سطوح ملی و حوضه آبریز، ارتقای بهره‌وری آب در بخش کشاورزی از طریق روش‌های مناسب در هر منطقه و برای هر محصول با تأکید بر کاهش مصرف آب در سطح حوضه آبریز و توسعه سامانه فراگیر پایش و ارزیابی منابع و مصارف آب (Islamic Parliament Research Center of Iran, 2020).

ایران براساس سرشماری سال ۱۳۹۵، دارای جمعیت ۷۹ میلیون نفر با رشد جمعیت ۱.۲ درصد بوده است که احتمالاً در سال ۱۴۱۰ جمعیت آن به حدود ۹۳ میلیون نفر افزایش خواهد یافت؛ یعنی حدود ۱۴ میلیون نفر به جمعیت کشور افزوده خواهد شد و حدود ۲۰ درصد مصرف کنونی آب ایران افزایش می‌یابد. طی ده سال آینده جمعیت شهرنشین ایران از ۷۴ درصد سال ۹۵ به ۸۵ درصد جمعیت شهرنشین در سال ۱۴۱۰ خواهد رسید. از سوی دیگر، توسعه بخش کشاورزی در روستاها با توجه به مشکلات شدید اشتغالزایی و افزایش بیکاری در سایر بخش‌های اقتصادی در سال‌های اخیر، به افزایش آب در این بخش از ۸۵.۶ میلیارد مترمکعب (۸۸.۹ درصد) باید حدود ۲۰ درصد یعنی حدود ۱۱۰ میلیارد متر مکعب افزون گردد، حال آنکه براساس گزارش بانک جهانی سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۱۳۷۹ حدود ۶ درصد و در سال ۱۳۹۸ دقیقاً ۱۰ درصد بوده است (World bank, 2019). اگر امروز رشد کند صنعت و افزایش مصرف آب حاصل از توسعه آن را به مصرف آب کل کشور بیافزاییم سالانه حداقل ۱.۵ تا ۲ درصد مصرف آب کشور افزایش می‌یابد؛ بنابراین به منظور تأمین کسری آب سالانه کشور چاره‌ای جز افزایش استفاده از آب‌های جاری رودخانه‌ای با توجه به وضعیت بحرانی آب‌های زیر زمینی (مصرف ۸۵ درصد آن) باقی نمی‌ماند. نتایج گزارشی که با محوریت گروه تحقیقاتی «آینده‌بان»، همراهی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و همکاری ۱۰ نهاد علمی انجام شده نشان می‌دهد از ۳ مسئله اول ایران در سال ۱۳۹۷، دو مسئله آن مربوط به بحران آب بوده، این سه بحران

عبارت‌اند از: ۱- بحران تأمین آب؛ ۲- فساد؛ ۳- پیامدهای بحران آب (Ayandeban, 2018¹). از این رو می‌توان گفت، ایران در آینده با بحران مصرف رو به تزاید آب در تمام حوزه‌ها روبرو خواهد شد و برای کاهش بحران جبران کمبود آب خود به رودخانه‌های داخلی، مرزی، آب‌های زیر زمینی بیشتر دست دراز خواهد کرد و قطعاً با اعتراض و تنش آبی و هیدروپلیتیکی در درون استان‌ها و با کشورهای همسایه روبرو خواهد شد و امنیت ملی ایران را دچار چالش اساسی خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش به دنبال تحلیل امنیتی شدن آب و دلایل آن در حوزه‌های داخلی ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران بویژه در سه حوزه زاگرس، ایران مرکزی و حوزه جنوب غربی کشور بوده است. می‌توان گفت عواملی نظیر موقعیت جغرافیایی ایران، ویژگی‌های اقلیمی و فاصله جغرافیایی کشور به منابع آبی پیرامون به گونه‌ای است که ایران عموماً با کمبود بارندگی و آب روبرو بوده است؛ اما طی چند دهه اخیر، به واسطه دگرگونی‌های اقلیمی و کاهش بارش و افزایش برداشت بی‌رویه از منابع آب، سیاست‌گذاری پر مشکل آب توسط نهادهای دولتی با رویکرد سازهای و رشد جمعیت مشکل آب ایران را دوچندان ساخته و چالش امنیتی فراروی امنیت ملی از منظر آب و نیازهای زیستی را تقریباً در سراسر ایران فراهم کرده است؛ به طوری که کشمکش‌های ناحی‌های و قومی در کشور پدید آمده و پیش‌بینی می‌شود تا زمان حل مشکلات امنیتی آب، اعتراضات اجتماعی و نزاع‌های هیدروپلیتیکی در این سه حوزه بزرگ امنیت ملی ایران را متأثر کند. چالش‌های آبی مانند کمبود منابع آب و طرح‌های انتقال آب در بین استان‌های مرکزی ایران (اصفهان، یزد، چهارمحال و بختیاری، لرستان، کهگیلویه و بویراحمد و خوزستان و بوشهر) همچنین چالش‌های منابع آب در حوضه جنوب غربی کشور (کرخه و کارون) که در حال تشدید شدن است، باید آخرین راه حل انتقال و تأمین آب استاها و شهرهای کشور می‌بود، در دولت هفتم و هشتم اولین و زود بازده‌ترین راه حل برگزیده شد به مرور زمان کمبود شدید آب در استان چهارمحال بختیاری و استان‌های پائین دست مانند خوزستان ناکارآمدی آن مشخص شد. پیامدهای اجتماعی منازعات آبی اصفهان و چهارمحال و بختیاری و مواردی مانند احداث طرح‌های تونل گلاب در دو فاز گلاب ۱ و ۲، خشک شدن زاینده رود، طرح انتقال آب از بهشت‌آباد به اصفهان، کرمان و یزد آثار امنیتی زیادی دارند که می‌توانند بر ناامنی قومی و استانی کشور بیفزایند. به عنوان مثال، تنوع قومی و فرهنگی و وجود حاکمیت‌های عشیره‌ای در حوضه آبریز کارون به ویژه در عرصه‌های پایین دست و جنوبی استان خوزستان، کم آبی اختلالات اقتصادی و معیشتی ناشی از آن منجر به بروز اختلافات قبیله‌ای و قومی شده و دامنه آن در سطح محلی گسترش یافته و حتی گسترش جغرافیایی آن در مقیاس ملی را امکان پذیر ساخته است. از این رو، افزایش تنش‌های اجتماعی آب، ناتوانی در فراهم کردن آب مورد نیاز شهرها، افزایش بیکاری برخاسته از کوچ روستاییان به حاشیه شهرها و افزایش ناامنی‌ها، همگی از پیامدهای وضعیت «ایران فرابحران آب» است که امنیتی شدن آب و تأثیر آن بر

امنیت ملی ایران را فراهم می‌کند. واضح است که با ادامه سیاست‌ها و روندهای پیشین در بخش آب، ابعاد مختلف بحران امنیتی شدن آب آشکار خواهد شد. در پایان باید گفت در صورت تداوم وضعیت کنونی، مشکلات منابع آبی درون ایران در آینده دولت را در برابر مردم قرار خواهد داد و در صورت ناتوانی در رفع آن کشور را با چالش‌های امنیتی آب به مراتب بزرگ‌تر و متعددتر روبرو خواهد کرد. از این رو به منظور برون رفت از وضعیت امنیتی شدن آب در کشور ضرورت بازنگری در سیاستگذاری آب، اصلاح مصرف آب در همه بخش‌ها، انتقال آب از منابع دریایی کشور به ایران مرکزی و کاهش میزان انتقال آب بین حوضه‌ای اجتناب‌ناپذیر می‌گردد.

کتابنامه

1. Ahmadi Pour, Z., Heydari Mosalou, K., & Mirjalali, A., (2012). Explaining the factors of insecurity in the southeast of Iran. *Social Security Studies*, 27(1), 13-44. [In Persian]
2. Ameri, H., (2008). *International Relations Principals*. Iran, Tehran: Agah Publication. [In Persian]
3. Arab, D., & Samani, M.V., (2008). *Intercontinental Water Transferring Plan of Beheshtabad to central plateau*. Islamic Parliament Research Center of Iran. [In Persian]
4. Baldwin, D.A., (1997). The concept of Security. *Review of International Studies*, 23(1), 5-26.
5. Buzan, B., (2004). Introduction to the Copenhagen School of Security Studies (Scientific interview with the Institute for Strategic Studies). *Quarterly Journal of Strategic Studies*. 3(3).
6. Chenari, S., (2016). *Complementary Strategy: a Model for solving Hydropolitics challenges in Iran (case study: Intercontinental Water Transferring Plan of Beheshtabad)*. Master's thesis for Political Geography, Faculty of Geography, Tehran University. [In Persian]
7. Islamic Parliament Research Center of Iran (2018). https://rc.majlis.ir/en/content/about_research_center. [In Persian]
8. Karamooz, M., & Mojahedi, A., Ahmadi, A., (2007). Economic evaluation and determination of inter-basin water transfer exploitation policies. *Research of Iranian Water Resources*, 3(2), 10-25. [In Persian]
9. Ker, P., (2009). Human Security. In Shihan, M., *International Security*, (Dehghani Firouz Abadi, S.J., Trans.). Iran, Tehran: Institute of Strategic Studies. [In Persian]
10. Layeghi, E., & Ghasemi, P., (2012). *Relative Study of Production and Employment of Agriculture of the Provinces of Iran*. Iran, Zanjan: Capital Management and Agricultural Talents in the Light of Industry and Trade. [In Persian]
11. Mehrabi, A.R., (2020). Internal waters of Iran. *Journal of Earth Sciences*, 8(2). [In Persian]
12. Ministry of Energy (2020). <https://moe.gov.ir>
13. MiyanAbadi, H., (2016). Don't Let the Water Transferring to be politicalized. *Water and Natural Resources Newspaper*, First Year, No. 2,; July 9. [In Persian]
14. Mohaghegh, A., & Imami Far, A., (2015). *Water Crisis in Iran and Central Asia*. Web site of Regional Studies Group. [In Persian]
15. Mohammadi, F., (2021). *Water Resources Security*. Ph.D. thesis of political geography, University of Tehran. [In Persian]

16. Mokhtari Hashi, H., (2013). Hydropolitics of Iran; the Geography of Water Crisis in the Horizon of 2025. *Geopolitics Quarterly*, 31(9), 49-83. [In Persian]
17. Motalebi, M., (2020). Water and Environmental Security of Iran. Iran, Tehran: Abrar Moaser of Tehran. [In Persian]
18. Motiei Langroudi, S.H., (2013). Economic Geography of Iran. Iran, Tehran: ISBA. [In Persian]
19. Nosrati, H.R., Kaviyani Rad, M., & Sasanpour, F., (2019). A Foucauldian Analysis of "Water security "Concept in Terms of Political Geography and Geopolitics. *Geopolitics Quarterly*, 53(15), 23-59. [In Persian]
20. Rahmani, M.R., (2015). *Geopolitical Pathology of Iran's Water Resources Management (Case studies: Southwest watershed of the country: Karkheh and Karun Bozor Rivers)*. Ph.D. thesis of political geography, University of Tehran. [In Persian]
21. Samadi Boroujeni, H., (2012). Water scarcity crisis in Zayandeh Rud and its causes. <http://waterresources.blogfa.com/page/f>[In Persian]
22. Tahami, S.M., (2005). *National Security*. Iran, Tehran: AJA Publication. [In Persian]
23. Vali Pour Zaromi, S.H., (2014). *National Security Discourses in the Islamic Republic of Iran*. Iran, Tehran: Institute of Strategic Studies. [In Persian]
24. Wolfers, A., (1962). *Discord and Collaboration*. Baltimore: Johns Hopkins University Press.
25. Zareie, B., (2012). Theoretical foundations of political geography with an emphasis on Islam and Iran. Iran, Tehran: Tehran University press. [In Persian]
26. www. Entekhab. Ir
27. www. World Bank
28. www.ISna.ir.